

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید عطا ادم
۲۳ دسمبر ۲۰۰۸

ازدیاد عساکر امریکایی یا افزون شدن مصیبت در افغانستان

درین اواخر صحبت های جدی پیرامون ازدیاد عساکر امریکایی در افغانستان صورت گرفته و وعده هایی درین زمینه داده شده است.

دلیلی که در این مورد آورده میشود کمک کردن به مردم افغانستان و تسریع در روند استقرار و امنیت در کشور است که بخصوص درین دو- سه سال اخیر خرابتر گردیده است.

این استدلال در ظاهر چیزی است که انسان را و بویژه یک هموطن افغان را ذوق زده میسازد ، افق آرامش را در کرانه های دور زندگیش ترسیم میدارد ، و اگر مسائل دیگری در میان نباشد شهروندان افغان را وامیدارد، تا مراتب امتنان و شکران قلبی شان را از این عساکر و آمرین شان که بخاطر زندگی ما زندگی خودشان را در گرو مرگ گذاشته اند ، ابراز دارند.

شاید هم عده ای از ساده دلان این امنیت و پآرامش مفقود را پیوست در ورای گرد و غبار همین عساکر تازه وارد تصورکنند.

امید استقرار و امنیت برای کشوری که سالهاست از استثمای رايحه آن محروم بوده است ، چیزیست خیلی خوش آیند و وعده هایی که درین راه داده میشود همه اش جذاب و دلکش بوده ، اما ... اما ایا واقعیت ها هم همین وعده و قول و قرارها را تأیید میکنند؟

بعد از سرابی که اندکی قبل از سقوط طالبان بمردم افغانستان نشان داده شد اکثریت مردم به این باور بودند که دیگر شب و روزهای سیاه بد بختی ، خفت و در بدری به پایان نزدیک شده است. همای خوشبختی سوار بر بالهای B52 و در امتداد خطوط نورانی مرمی های عساکر تازه وارد بر قله های کوهپایه های کشور ما خواهد نشست. انگاه آرامش خواهد بود ، کار و زحمت برای آبادانی خواهد بود، راحت و گشایش در زندگی خواهد آمد، دیموکراسی با وقار و دبدبه خاصش بالاخره به کشور ما وارد خواهد گردید، و آن خوابهای آشفته که از بهار سال ۱۳۵۷ خورشیدی بر مردم ما سیطره داشت، دیگر تمام خواهد شد

مقدمات همه انجام شد، حکومت روستایی منش طالبان سقوط کرد. برای مدت کمی مردم احساس بجا شدن آن وعده ها را کردند ولی بعد از مدتی دیده شد که نه! آنچه بما داده شده است همه اش سکه ناچل، همه اش زیورات قلابی و وعده های نوشته شده بر روی یخ بوده است. و الاخره نتیجه خلاف همه توقعات و خواست های اکثریت مردم ما بدر آمد.

غول مرگ های نا بهنگام دروازه های مردم را از شهر ها تا دره های دور و عمیق کوبید. زن ، کودک و پیر ما را بکام خود فرو برد. امنیت نسبی این تنها متاع موجود در دوره طالبان را، نیز با خود به یغما برد.

وقتی ما به چند سال گذشته نگاه میکنیم می بینیم آن که بنام طیبیب به بالین ما آمد خود منبع امراض گردید ، خود سبب شد تا مریضی که وعده مداوا را گرفته بود، بیمار تر و رنجور تر شود.

عساکری (بخصوص عساکر امریکایی) که گویا برای حمایت مردم عامه ما آمده بودند خود شروع کردند به تجاوز بر حریم مقدسات و حیات و آبروی مردم ما. قتل های خیلی وحشیانه که در حق مردم عامه ما توسط این عساکر صورت گرفت مردم را روز تا روز از این عساکر و آمرین شان دور تر تا سرحد ضدیت با ایشان کشانید. در اوائل قتل هایی را که توسط این عساکر انجام میشد با بهانه های مختلفی رویه مالی میکردند و توسط وسائل اطلاعات جمعی بخورد مردم میدادند. اما این وقایع آنقدر زیاد شد که پنهان کردن آن دیگر ناممکن گردید، لذا شروع به ابراز تأسف بر قتل بیگناهان کردند، بدون اینکه پیامد های دیگری ازین قتل ها را بگردن گیرند. معامله عساکر امریکایی با مردم ما مبتنی بر تحقیر و توهین بوده، کوچکترین حرکت در مقابلشان باعث کشیده شدن ماشه های تفنگشان بر مردم میگردد، تجمعات عروسی، خیرات، ماتم داری سبب بحرکت افتیدن طیاره های بم افکن شان میگردد، تا عروسی را به ماتم و ماتم را به مصیبت عامه بدل کنند. هیچ کسی حتی در خانه خود نمیتواند از تیررس مرمی تفنگ و دندان و چنگال سگهای شان در امان باشد.

این عساکر که در هاله ای از تقدس قوت و برتری جهانی پوشیده اند، از هر نوع پیگرد قانونی هم معاف ساخته شده اند. در قاموس این عساکر مفاهیم دیموکراسی جایی ندارد، مگر خواست خودشان، دیکتاتوری همراه با خشونت و تکبر درشت ترین متاعی است که با خود دارند. حتی رئیس دولت میزبان نیز عاجز تر از این است، که بتواند در حق این حق کشی ها و زور گوییها در برابر مردم بیگناه کاری بتواند کرد.

ما امروز کشوری داریم که در سال هشتم مداخله این عساکر، از نگاه امنیت و اطمینان، هموطنان ما نسبت به سالهای اول مداخله شان بی اعتماد تر و ناراض تر شده اند، صفوف معارضین دولت و در مجموع نظام موجود عریض و طویل تر معلوم میشود. دلگرمی عده ای از هموطنان با احساس ما که بخاطر سرمایه گذاری و دوران اقتصاد در کشور دست به فعالیت های اقتصادی خرد و بزرگی زده بودند، به دلسردی و یأس مبدل شده است. فرهنگ چپاول مال عامه و پروژه های انکشافی شایع تر گردیده است، گراف جرم و جنایت بالاتر رفته است و بد تر از همه اینکه مرز بندی های زبانی، مذهبی، سمتی، قومی و نژادی بلند تر شده است. اینها اگر تنها چیزی را ثابت کند همانا بدرد نخوری این قوا را برای مردم ما و کشور ما در شکل موجودش ثابت خواهد کرد. این عساکر (امریکایی) با کارهای ناشایست خود در حقیقت به یک منبع بی امنیتی و انتشار نارضایتی در بین مردم ما که نهایتاً بقوت مخالفین دولت می انجامد، مبدل گردیده است.

در چنین شرایط و حالتی اگر ما تصور ازدیاد اینگونه عساکر را در کشور خود داشته باشیم، باید انتظار بد بختی های بیشتر و بد تر شدن وضعیت را در تمام نواحی آن برای مردم و کشور خود هم داشته باشیم. و بالاخره مردم ما در میان پتک مخالفین دولت و سندان قوت های امریکایی بیشتر کوبیده خواهند شد.

شاید هدف قوت های امریکایی هم همین باشد؟ ؛ عدم استقرار وضعیت در افغانستان و احتمالاً دیگر نقاط مشخص در این سوی زمین، زمینی که تا هنوز هم خدا را شکر گرد و کلوله باقی مانده است!!!